



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.



www.azizibank.af

1515

اطلاعات روز

۱۳۳۷ ■ سه شنبه | ۱۲ دلو ۱۳۹۵ | سال ششم

1237 ■ Tuesday | 31 JANUARY 2017 | YEAR 06

یادداشت روز

اختلاف‌های سیاسی چه قدر جدی است؟

مسأله این است که آیا ماجرا به یک بگومگویی تویتری ختم می‌شود یا نه؟ این پرسش سوال دیگری را نیز خلق می‌کند: چرا حمدالله محب، سفیر افغانستان در ایالات متحده‌ی امریکا عصبانی شد؟ پاسخ فرانس میشل میلیبند هم قابل تأمل است. تمام سوال‌ها در گرو یک سوال اصلی است: اختلاف‌های سیاسی گسترده‌تر و عمیق‌تر شده است یا چیزی از «بن تا کابل» تغییر نکرده و دعوا صرفاً بر سر «سهامیه‌ها است»؟

تمرکز قدرت، چیزی است که تقریباً همیشه مایه‌ی تنش و کشمکش بوده است. افغانستان پسا طالبان، عرصه‌ی این کشمکش بود. در جلسه‌ی بن ۲۰۰۱ که تهداب دولت جدید را گذاشت، جنجال اصلی نه بر سر نوعیت نظام یا سنجیدن تمهیداتی برای جلوگیری از تکرار فجایع گذشته که بیشتر بر سر تقسیم وزارت‌خانه‌ها و توزیع قدرت بود. گروه‌های سیاسی در «بن» در برابر هر چیزی حاضر به حرف‌شنوی و پذیرش دیدگاه‌های همدیگر یا حامیان بین‌المللی‌شان بودند، غیر از آنچه که بر میزان سهم آن‌ها تغییر می‌آورد. این کشمکش به همان‌جا منحصر نشد. طرف‌های اصلی این دعوا ظاهراً بر سر قدرت به تفاهم رسیدند، اما هر کدام این توافق را به این شرط امضا کردند که از آن مایه‌ی کسب اقتدار بیشتر را به دست بیاورند. به این ترتیب، افراد و گروه‌هایی که در ساختار قدرت سهم شدند، پیش از آن‌که به ساختن دولت بیندیشند، به توزیع اختیارات و بخش‌بندی قدرت پرداختند. نگرانی از شکل‌گیری یک قدرت قومی، سبب شد که کشورهای حامی افغانستان نیز در این میان، تن به توافقاتی...

ادامه در صفحه ۲



صفحه ۲

ارگ باید تصمیم بگیرد سر نوشت مبهم نامزدهای ریاست دپیر خانه‌ی کمیسیون انتخابات



سر نوشت مبهم انتخابات پارلمانی

در حالی که سال جاری اندک‌اندک به پایان خود نزدیک می‌شود، هیچ نشانه‌ی روشنی از آمادگی حکومت و کمیسیون انتخابات برای برگزاری انتخابات پارلمانی و شورای ولسوالی‌ها به مشاهده نمی‌رسد. کمیسیون مستقل...

صفحه ۴

جمع آوری پول برق؛ منبع جدید عایداتی طالبان



کابل، افغانستان - حکومت افغانستان در حداقل دو ولایت کلان با مشکل عجیب و غریبی مواجه است: برق گرانبها فراهم می‌کند که بخشی از آن با هزینه‌ی بلند از کشورهای همسایه وارد می‌شود؛ اما پول بخش عمده‌ی آن را طالبان...

صفحه ۳

سریعترین اینترنت 3.75G+ بهترین قیمت

800 افغانی در صفحه پیام 7GB نوشته و به 151 ارسال نمایید	7 جی بی	250 افغانی در صفحه پیام 1GB نوشته و به 151 ارسال نمایید	1 جی بی
1100 افغانی در صفحه پیام 10GB نوشته و به 151 ارسال نمایید	10 جی بی	400 افغانی در صفحه پیام 3GB نوشته و به 151 ارسال نمایید	3 جی بی
1800 افغانی در صفحه پیام 16GB نوشته و به 151 ارسال نمایید	16 جی بی	600 افغانی در صفحه پیام 5GB نوشته و به 151 ارسال نمایید	5 جی بی

مدت اعتبار هر بسته 30 روز میباشد.

Google



افغان بیسیم
AFGHAN WIRELESS

HD VOICE

WiFi SUPER WIFi

Certified Network



@myawcc

www.afghan-wireless.com

152 (24 HRS)

ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan

بین‌الافغانی بدهند. توافق‌هایی که پیش از هر چیز، تمهیدی بر ادامه‌ی همکاری گروه‌های سیاسی و تضمین منافع آن‌ها بود.

از این منظر، درست نیست که بگوییم جنجال و اختلاف سیاسی باری دیگر به‌میان آمده است. این اختلاف به موازات تشکیل نظام دموکراتیک کنونی تاکنون وجود داشته است. اما آنچه که به نظر مایه‌ی تأمل بیشتر است، این است که مجموعی از اختلاف‌ها و پیچیده‌گی‌ها کنار هم قرار گرفته‌اند. درهم‌تنیدگی این اختلاف‌ها سبب می‌شود که در مورد حد و گستردگی و میزان جدیت آن، به‌درستی فکر کنیم.

اخیراً یونس قانونی، که رهبری بزرگترین گروه سیاسی-نظامی افغانستان را در بن به‌دوش داشت، از تمرکز بیش از حد قدرت انتقاد کرده و خواستار تمرکززدایی و پارلمانی شدن نظام ریاستی کنونی شده است. عبدالله عبدالله، گرچه وضعیت سیاسی را «پیچیده اما باثبات» تعریف کرده، اما بارها بر شکستن انحصار قدرت تأکید کرده است. احمدضیا مسعود، دیگر چهره‌ی قدرتمند تاجیک نیز گرچه نماینده‌ی رئیس‌جمهور در امور حکومتداری خوب است، اما بیشتر وقتش را صرف دیدار با فرماندهان سابق جهادی و انتقاد از حکومت می‌کند. جنرال دوستم، مهم‌ترین شریک سیاسی و معاون اول رئیس‌جمهور غنی نیز به تعلیق وظیفه‌اش فکر می‌کند. اتفاقی که اگر بیفتد، در یک‌ونیم دهه‌ی اخیر بی‌نظیر است. غنی تحت فشار حامیان بین‌المللی و وضعیت داخلی کشور، به نظر می‌رسد آخرین تصمیمش را در مورد جنرال خواهد گرفت. کریم خلیلی همان‌طور که «بن» را معترضانه اما بی‌هیچ مخالفتی ترک کرد، اکنون نیز در میانه‌ی اعتراض و همکاری حرکت می‌کند. هواداران حکمتیار گرچه اصرار بر آمدن او دارند، اما آقای حکمتیار به‌درستی می‌داند که تا خارج شدن نامش از فهرست سیاه تحریم‌ها و رفع تهدید امریکا، نمی‌تواند از مخفیگاهش بیرون شود. هیچ تضمینی نیست که او در صورت ورود علنی به کابل، مورد پیگرد قرار نگیرد.

تمام این اختلاف‌ها بیش‌وکم وجود داشته، اما هرگز تا مرز رسیدن به یک اختلاف جدی پیش نرفته است. تمامی این اختلاف‌ها همیشه در یک‌جا آب شده‌اند: در گرمای منافع و سهم. از طرفی دیگر، با طولانی‌تر شدن عمر دولتی که پایه‌های دموکراتیک دارد، اما در عمل حکومتداری همواره در مسیر برعکس آن گام گذاشته و میزان ناراضیاتی عمومی بر آن افزوده شده است، این پتانسیل ایجاد شده که اختلاف‌های مقطعی به شکل گرفتن یک تنش جدی کمک کند. سفیر محیب اخیراً در تویترش خطاب به ملییند، در مورد اظهارات او هنگام گفت‌وگو با یک تلویزیون خصوصی مبنی بر حمایت از نظام غیرمتمرکز، او را متهم به «دخالت در امور داخلی کشور میزبان» کرد. پاسخ سفیر اتحادیه‌ی اروپا نیز روشن بود؛ او از تمرکززدایی و شکل‌گیری یک دموکراسی محلی «با افتخار» حمایت خواهد کرد.

مسأله‌ی اصلی این است که بازیگران سیاسی بیشتر شده‌اند. بازیگرانی که هرکدام نیم‌نگاهی به قدرت و برخورداری از آن و نهایتاً سهم شدن در سود اقتصادی و سیاسی حاصل از آن دارند. حامد کرزی در جوار ارگ به خودش این حق را قایل است که به‌عنوان یک بازیگر اثرگذار کماکان در صحنه باشد و شبکه‌های نیرومندش را در ارزگان، قندهار و مناطق دیگر حفظ کند. از طرفی دیگر، تادوم میکانیوم «بگبر و همراه باش» که سهمیه‌بندی قدرت را توضیح می‌دهد، به چرخه‌ی باطل فسادآمیز شدن دولت و شکستن اعتبار آن منجر می‌شود. روندی که در نهایت به ناراضیاتی عمومی خواهد انجامید. حکومت وحدت ملی به رهبری اشرف غنی ترجیح داده است که با مقاومت و انعطاف‌پذیری همزمان، این وضعیت را مدیریت کند. اما دیدگاه سیاسی حاکم بر ارگ که مبتنی بر تمرکز اختیار و انحصار قدرت بر محور یک گروه است، در مقام پاشنه‌ی آشیل حکومت غنی عمل خواهد کرد. انحصار قدرت و منابع و همزمان اراده به اعمال اصلاحات، ناممکن است. غنی در این صورت نه در میان مردم جایگاه قابل اطمینانی خواهد داشت و نه در برابر گروه‌های ذی‌نفع. در وضعیت پیچیده‌ی کنونی، غنی از یک فرصت استثنایی برخوردار شده که حمایت و رضایت مردم را با خودش همراه کند. این کار ممکن نیست مگر این که او به یک نظم به تمام‌معنا دموکراتیک تن در دهد و از تمرکز قدرت بکاهد و مردم را شریک آن بداند.

ارگ باید تصمیم بگیرد

سرنوشت مبهم نامزدهای ریاست‌دبیر خانگی کمیسیون انتخابات

اطلاعات روز: مقام‌های کمیسیون مستقل انتخابات گفته‌اند که این نهاد تاکنون کدام نامه‌ی رسمی را درباره‌ی رد نامزدان ریاست دبیرخانه‌ی این کمیسیون از سوی رهبران حکومت دریافت نکرده است.

آنان می‌افزایند که کمیسیون مستقل انتخابات مسئولیت‌اش را انجام داده است و اکنون رئیس‌جمهور و رئیس اجرائیه‌ی حکومت درباره‌ی رییس دبیرخانه‌ی کمیسیون مستقل انتخابات باید تصمیم بگیرند.

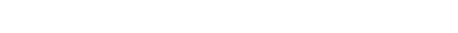
این در حالی است که کمیسیون مستقل انتخابات دو هفته پیش نامزد ریاست دبیر خانه‌ی این کمیسیون را به حکومت پیشنهاد کرد، اما رئیس‌جمهور و رئیس اجرائیه هر سه نامزد را رد کردند، اکنون کمیسیون مستقل انتخابات می‌گوید که در این زمینه نامه‌یی از حکومت به‌دست نیاورده‌اند.

گلا جان عبدالدیبع صیاد، دبیر و کمیشنر کمیسیون مستقل انتخابات گفته است: «کمیسیون مسئولیت خود را انجام داده ما نام‌ها را به حکومت فرستادیم و اکنون رئیس‌جمهور و رئیس اجرائیه باید تصمیم‌شان را بگیرند.»

در همین حال نهادهای ناظر بر انتخابات و کارشناسان امور می‌گویند که اراده‌ی قاطع برای برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی‌ها وجود ندارد و بحث‌های کمیسیون مستقل انتخابات در زمینه «عوام‌فریبی» می‌باشد.

کمیسیون مستقل انتخابات روز دوشنبه نشست مشورتی را با نهادهای جامعه‌ی مدنی و نهادهای ناظر بر انتخابات در کابل برگزار کرد و از پیشرفت‌ها و طرح‌های آینده‌ی این کمیسیون معلومات ارائه کرد.

کمیسیون می‌گوید که برای تعیین حوزه‌های انتخاباتی و برگه‌های رای‌دهی سه طرح آماده ساخته است.



ملین: اتحادیه‌ی اروپا

از تمرکززدایی قدرت در افغانستان حمایت می‌کند

اطلاعات روز: فرانس میشل ملیین، فرستاده‌ی ویژه‌ی اتحادیه‌ی اروپا در افغانستان گفته که این اتحادیه باور دارد که افغانستان به «تمرکززدایی و دموکراسی محلی» نیاز دارد و از آن حمایت می‌کند. آقای ملیین به تلویزیون ۱ گفته است: «یکی از باورهای کلی در افغانستان این است که تمرکز بیش از حد قدرت نهادینه‌سازی دیموکراسی محلی را در این کشور صدمه زده است.» او افزوده: «اتحادیه‌ی اروپا باور نیرومندی دارد که نیاز است [در افغانستان] تمرکززدایی بیشتر و دموکراسی محلی بیشتر از آن که امروز افغانستان دارد، داشته باشیم.» به گفته‌ی او، ساختار نظام سیاسی افغانستان در حال حاضر «به‌شدت متمرکز» است که باعث «حکومت‌داری ضعیف» شده است. او تأکید کرده که برای تحقق «دموکراسی محلی نیرومند نیاز واقعی» وجود دارد و باید تلاش‌هایی در این راستا صورت گیرد.

اعتراض سفیر افغانستان در امریکا

این گفت‌وگو دو روز پیش انجام شد، که واکنش‌هایی از جمله واکنش سفیر افغانستان در ایالات متحده‌ی امریکا را در پی داشته است.

حمدالله محیب، سفیر افغانستان در امریکا در صفحه‌ی تویترش نوشته است که «فکر می‌کنم مداخله در امور کشور میزبان‌ت کار درستی نباشد. اگر سخنان‌تان را غلط نقل کرده‌اند، لطفاً بخواهید که اصلاح‌اش کنند.» اما سفیر اتحادیه‌ی اروپا در پاسخ به آقای محیب در تویتر رسمی‌اش نگاهشسته است: «این سیاست حکومت شما است و من با افتخار به پشتیبانی از غیرمتمرکزسازی قدرت و نیز

وزارت صحت عامه واردات دارو از ۹۰ شرکت خارجی را ممنوع کرد

اطلاعات روز: اداره‌ی ملی تنظیم امور دارویی وزارت صحت عامه اعلام کرده است که داروهای تولید شده از ۹۰ شرکت خارجی ممنوع شده است.

نورشاه کامه وال، رییس اداره‌ی ملی تنظیم امور دارویی وزارت صحت عامه می‌گوید که پیش از این شرکت‌های داخلی از ۴۶۷ شرکت داروسازی خارجی به شکل رسمی دارو وارد می‌کردند ولی در نتیجه‌ی بررسی‌های این اداره، واردات دارو از ۹۰ شرکت خارجی ممنوع شده است.

به گفته‌ی او، داروهای تولیدشده این شرکت‌ها از کیفیت لازم برخوردار نیست. آقای کامه‌وال، مشخص نکرد که این شرکت‌ها مربوط به کدام کشورهای هستند؛ اما تاجران امور دارویی افغانستان عمدتاً از شرکت‌های پاکستانی، ایرانی و هندی دارو وارد می‌کنند.

کامه‌وال همچنان گفت که داروهای ۱۹ شرکت دیگر نیز در فهرست سیاه قرار داده شده و داروهای تولیدی این شرکت‌ها در حال ارزیابی است.

او افزود که ارزیابی تولیدات بیش از ۳۵۰ شرکت که به افغانستان دارو صادر می‌کنند، آغاز شده است.

به گفته‌ی کامه‌وال، افغانستان می‌خواهد به تدریج تولیدات این شرکت‌ها را بررسی کند، زیرا سخت‌گیری فوری افغانستان را با کمبود دارو مواجه خواهد کرد.

او خاطر نشان کرد که هم‌اکنون، کیفیت داروهای وارداتی در کشور به شکل عملی کیفیت سنجی می‌شود؛ اما تا دو یا سه هفته‌ی دیگر لابراتوار تثبیت کیفیت دارویی در کابل افتتاح و آغاز به کار خواهد کرد.

سهم شرکت‌های داخلی در تولیدات دارو در کشور بسیار اندک است و بسیاری از نیازمندی‌های دارویی شهروندان کشور از بیرون وارد می‌شود. به‌دلیل ضعف سیستم کنترل کیفیت در کشور مردم همواره از کیفیت داروها انتقاد دارند.

به گفته‌ی مسئولان صحت، تنها در سه ماه گذشته حدود ۶۲ تن داروی بی‌کیفیت و تاریخ گذشته نابود شده است.



کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخابات با نهادهای ناظر انتخابات تفاهم‌نامه‌ی همکاری امضا کرد

اطلاعات روز: کمیسیون رسیدگی به شکایات‌های انتخاباتی، روز گذشته (دوشنبه، ۱۱ دلو) تفاهم‌نامه‌ی همکاری را با نهادهای ناظر انتخابات امضا کرد.

این تفاهم‌نامه با نهادهای ناظر به انتخابات چون؛ شبکه‌ی نهادهای جامعه‌ی مدنی افغانستان برای تحکیم ثبات (ACSEN)، بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه‌ی افغانستان (FEFA)، بنیاد انتخابات شفاف افغانستان (TEFA)، دیدبان انتخابات و شفافیت افغانستان (ETWA)، مؤسسه‌ی زنان افغان برای حمایت از دموکراسی (AWOSD) و سازمان خط نو (NLO) در کابل امضا شد.

عبدالعزیز آریایی، رییس کمیسیون رسیدگی به شکایات‌های انتخاباتی گفت که امضای این تفاهم‌نامه به روند شفافیت در کار کمیسیون‌ها و نظارت از روند انتخابات آنان را کمک می‌کند.

تبادل تجارب، تشریک مساعی در جهت شفافیت در پروسه‌ی انتخابات، تئویر اذهان عامه، تدویر برنامه‌های آگاهی‌دهی، حضور نماینده‌ی کمیسیون شکایات در نشست‌های جامعه‌ی مدنی در راستای انتخابات در مرکز و ولایات، دسترسی به معلومات از اجراءات کمیسیون، تنظیم حضور نمایندگان جامعه‌ی مدنی در مراحل مختلف کاری مطابق طرزالعمل، از جمله عمده‌ترین بخش‌های تعهدات بین دو طرف می‌باشد.

آقای آریایی گفت: «دلیل اساسی امضای این تفاهم‌نامه‌ها با نهادهای جامعه‌ی مدنی، به میان آمدن اصلاحات و زدودن فساد می‌باشد و در این مرحله، ضرورت بود تا این نهادها با ما همکاری دوامدار داشته باشند و همچنان مشوره‌های لازم را در تهیه طرزالعمل‌ها بدهند.» در همین حال آریایی گفت که در کمیسیون شکایات انتخاباتی، بیش از ۲۰۰ بست خالی وجود دارد که ۶۵ درصد تمامی کارمندان کمیسیون را تشکیل می‌دهد و در این اواخر، برخی از این بست‌ها به اعلان رفته، روند استخدام آغاز شده و این نهادها می‌توانند از این روند نیز نظارت کنند.

مراحل تغییر نظام سیاسی

در افغانستان تغییر نظام همواره قربانی‌های بسیاری از مردم گرفته است. از خیر گذشته‌ها تیر می‌شویم، آن‌ها غیر کشتن و چپاول و خوشگذرانی، چیزی بلد نبودند. در چهارصد سال حتی نتوانستند یک دانه بیل کشف کنند تا ما امروز با بیل‌های وطنی خودمان، میهن شیران را با گل خوش‌رنگ تریاک، رنگ‌آمیزی می‌کردیم. تازه اسناد معتبر تاریخی (اصلاً ما سند معتبر تاریخی هم داریم؟) نشان می‌دهد که بزرگواران کشور ما در گذشته‌ها وقتی بیل را دیدند، هفده ماه اجماع کردند تا بالاخره فهمیدند که بیل نیاز به دسته دارد و دسته‌ی آن را کشف کردند. از همین نزدیکی‌های سیاه خویش شروع کنیم. وقتی مجاهدین دریافتند که نظام کمونیستی خوب نیست، برای تغییر آن... زنده باد مجاهدین! البته من هنوز نمی‌دانم چند میلیون نفر کشته و معلول و آواره و خاک‌برسر شدند. نظام شد اسلامی. دیری نپایید که مجاهدین عزیز افغانستان به جان هم افتادند و تا توانستند همدیگر را کشتند. باز هم نمی‌دانم چه قدر انسان در جنگ‌های داخلی کشته و معلول و بی‌خانمان شدند. به هر صورت، طالبان دیدند که مجاهدین به اندازه‌ی کافی همدیگر را کشته‌اند، اقدام به تغییر نظام کردند. به همه جا لشکر کشیدند. خلاصه از قافله‌ی قتل‌عام‌ها پس نماندند. نظام ما شد امارت اسلامی.

وقتی امارت اسلامی تبدیل به مهمان‌خانه‌ی القاعده شد، تصمیم گرفته شد که نظام دموکراسی به افغانستان برده شود. باز هم جنگ و کشتار راه انداخته شد تا این که رسیدیم به دموکراسی. نظام سیاسی را متمرکز اعلام کردند. این نظام متمرکز تا چندسال پیش که بسیاری از بزرگواران دوران جهاد در آن سهم داشتند، نظام خوبی بود. اما با آمدن وحدت ملی، تقریباً تمامی قدرت‌مندان مفت‌خور قومی دست‌شان از خزانه‌ی دولت کوتاه شد و به جای آن‌ها، دست‌های دیگری به خزانه وصل شدند. حالا جمعی از نخبه‌های دست از خزانه کوتاه‌شده، صلاح ملک را بر آن دیده‌اند که نظام سیاسی را تغییر دهند. فکر می‌کنند اگر قدرت توزیع شود، قدرت شمال با جنوب و شرق برابر خواهد شد. برای تغییر نظام، این بار به شیوه‌ی گذشته عمل نمی‌کنند. مراحل تازه‌ی کشف کرده‌اند.

۱- اصلاح نظام انتخاباتی: در این مرحله دکتر صاحب عبدالله عبدالله به‌عنوان پیشوای سیاسی تا آخرین کلمه‌ی خویش پافشاری می‌کند. اما بعضی چیزها در این مملکت میان بزرگان وجود دارد و بعضی کارها اتفاق می‌افتد که نظام انتخاباتی اصلاح نمی‌شود. منتهی مدعیان اصلاح نظام انتخاباتی که در اوایل تشکیل حکومت وحدت ملی تا کهنکشان راه شیری چمپ می‌زدند، اصلاح نشدن نظام انتخاباتی را با مردم شریک نمی‌کنند، بلکه مدام می‌گویند انشاءالله اگر خواست خداوند و یاری مردم شریف و سربلند افغانستان عزیز ما باشد، در آینده‌ی نزدیک اقدامات لازم را روی دست خواهیم گرفت.

۲- از آنجایی که مسأله‌ی اصلی سهم در قدرت و اعمال قدرت برای منافع خانواده‌گی است، یک طرف حکومت وحدت ملی احساس می‌کند در بازی موش‌وگره، موش تشریف دارد. از یک‌طرف صاحب‌خانه نان کافی نمی‌دهد، از طرف دیگر، گربه زورگویی می‌کند و در حق موش بیچاره کم‌لطفی می‌کند. یعنی دور از جان همه‌ی بزرگان حکومت وحدت ملی که من به قرآن قسم احترام‌شان را دارم. در همچون یک وضعی، نصب تابلوها در اطراف و اکناف شهر، به‌عنوان مرحله‌ی دوم تغییر نظام سیاسی قلم‌داد می‌شود.

البته مرحله‌ی سوم هنوز کشف نشده. گزارش‌ها حاکی از آن است که استاد عطا مانع کشف مرحله‌ی سوم می‌شود. اما این گزارش‌ها به‌کلی بی‌بنیاد است و استاد عطا هیچ‌وقت مانع کشفیات این‌چنینی نمی‌شود. به هر حال، ما در حال سپری کردن مرحله‌ی دوم هستیم. بگذارید چند ماهی تابلوها با خیر تغییر نظام سیاسی سیاه شوند، بعدش مرحله‌ی سوم هم کشف خواهد شد.

بناءً ما نباید برای کشف مرحله‌ی سوم عجله کنیم. چون اگر عجله کنیم، مرحله‌ی دوم را خوب سپری نمی‌کنیم. فعلاً بهتر آن است که در آن چهارراهی‌ها که چنین تابلوهایی نصب شده، جمع شویم و به خیر سیاه‌شده در تابلوها دقت کنیم و درودها نثار رییس ارجاعیه به تابلوها بکنیم. همه یک صدا فریاد کنیم که زنده باد رییس قبلاً اجرائیه، فعلاً ارجاعیه به تابلوها!

اصلاح سکتور امنیت؛ اتفاقی که برای مدت طولانی عقب افتاده است

دپیلمات/صمیم عارف ■ ترجمه: حمید مهدوی ■



به‌سادگی قابل جلوگیری است. حمله‌ی قندهار که چند تن از مقام‌ها و شخصیت‌های خارجی را کشت، مهمان‌خانه‌ی والی را هدف قرار داد. کل نیروهای پولیس قندهار نتوانستند امنیت یک هیات دیپلماتیک بلندپایه را تامین کنند.

نیروهای ملی امنیتی و دفاعی به تغییرات فوری در تمام سطوح نیاز دارد. نخست و از همه مهم‌تر، شبه‌نظامیان قومی باید از صفوف نیروهای ملی امنیتی و دفاعی افغانستان ریشه‌کن شوند. آن‌ها به‌عنوان مانعی در برابر هرگونه اصلاحات عمل می‌کنند. دوم، افسرانی که اخیراً در داخل و خارج از افغانستان آموزش دیده‌اند و وابستگی سیاسی ندارند باید به موقعیت‌های رهبری ترفیع یابند. سوم، یک استراتژی پیچیده‌ی هماهنگی بین نهادهای امنیتی باید ایجاد شود. چهارم، برای ترفیع‌ها، یک معیار دقیق وجود داشته باشد. پنجم، یک تیم مشترک باید تشکیل شود تا به تخلفات جنگ‌سالاران در ولایت‌ها رسیدگی کند. سرانجام، فقدان یک سیاست موثر تغییر محل کار [نیروهای ملی امنیتی و دفاعی] و یک رویکرد دفاعی در در خط آتش طالبان در درون نیروهای ملی امنیتی و دفاعی فشار شدیدی بر نیروهای پایین‌رتبه وارد آورده است. به این مسایل باید رسیدگی شود.

سربازان افغانستان شجاعت دارند، اما رهبری فاسد روحیه‌ی جنگ را تضعیف کرده است. فرماندهان به طالبان مواد سوخت و اسلحه می‌فروشنند و معاش سربازان خیالی را که تعدادشان به ده‌ها هزار سرباز می‌رسد به جیب‌شان می‌زنند. از آنجایی که طالبان ظاهراً اصلاً به یک توافق صلح نزدیک نیستند، رییس‌جمهور اشرف غنی باید یک استراتژی اصلاح سکتور امنیت را طرح کند و در نیروهای ملی امنیتی و دفاعی تغییرات اساسی بیاورد. با وضعیت فعلی نیروهای امنیتی افغانستان، حکومت نه توانایی به‌دست آوردن وفاداری مردم‌اش را دارد و نه می‌تواند جنگ را برسد.

می‌کنند. نیروهای امنیتی افغانستان، به‌دلیل فقدان رهبری خوب، هماهنگی و فساد گسترده، در حال تقلا اند. رهبران نیروهای امنیتی، ملیشه‌های پیشین اتحاد شمال، هرگز آموزش نظامی مناسب ندیده‌اند. آن‌ها به‌طرز وحشتناکی ۳۵۰ هزار تن از نیروهای امنیتی افغانستان را مدیریت سوء کرده‌اند که به تلفات زیاد سربازان پایین‌رتبه در جریان یک دهه‌ی گذشته منجر شده است.

در ماه جنوری ۲۰۱۶، جبار قهرمان، جنرال پیشین ارتش و عضو فعلی مجلس توسط رییس‌جمهور غنی به‌عنوان مامور ویژه‌ی انتخاب شده بود تا از پیشرفت طالبان در این ولایت جلوگیری کند. قهرمان، پس از سپری کردن هفت ماه در آنجا، چند آفت را در نیروهای امنیتی تشخیص داد. او این مسأله را به رییس‌جمهور گزارش داد، اما به‌دلیل نفوذ جنگ‌سالاران در نیروهای ملی امنیتی و دفاع افغانستان هیچ اقدامی نشد. او، در مصاحبه‌ی، مسائلی را مطرح کرد که مقابله با آن‌ها با رهبری فعلی ناممکن به نظر می‌رسد.

به گفته‌ی او، فقدان هماهنگی بین نهادهای امنیتی، اتلاف منابع نظامی، سربازان خیالی، رهبری فاسد و ناتوان و یک زنجیره‌ی متمرکز فرماندهی، ۳۳۰۰۰ سرباز سازماندهی شده را علیه حدود ۲۰۰ جنگجوی ستیزه‌جو در هلمند ناکام ساخته است. این صرف در هلمند نیست - وضع همه‌ی قول‌اردها این‌گونه است. علاوه بر این، نیروهای ملی امنیتی و دفاعی افغانستان در دفع استفاده‌ی طالبان از تاکتیک‌های جنگی ابتدایی ناکام مانده‌اند. به‌طور مثال، طالبان اغلب یک بمب را منفجر می‌سازند و به‌دنبال آن، وقتی مردم، به‌ویژه نیروهای ویژه، محل رویداد اولی را تحت پوشش قرار می‌دهند بمب دومی را منفجر می‌سازند که باعث تلفات بی‌شمار می‌شود. این، در بمب‌گذاری اخیر در کابل و در موارد بی‌شمار دیگر اتفاق افتاده است. نمونه‌ی دیگر این است که اتوبوس حامل تازه‌سربازان پولیس و ارتش به‌صورت پیاپی مورد حمله قرار گرفته‌اند، این رویدادها

افغانستان ۲۰۱۷ را با حمام خون آغاز کرد. بیش از ۳۸ تن در دو بمب‌گذاری در کابل کشته شدند. انفجار دیگر در قندهار جان حداقل هفت تن را گرفت و بیش از ده تن، از جمله سفیر امارات متحده‌ی عربی که به هدف افتتاح چندین پروژه از این شهر بازدید می‌کرد را زخمی ساخت.

ناکامی افغانستان در آوردن تغییرات در دستگاه امنیتی آن در تداوم خشونت بی‌وقفه و پایدار در این کشور حیاتی بوده است. نیروهای امنیتی افغانستان صرف در سال ۲۰۱۶ بیش از ۱۵۰۰۰ تن از پرسنل‌شان را در جنگ از دست داده‌اند و بیش از ۱۶۰۰ تن غیرنظامیان افغان کشته شده‌اند. در موقعیت‌های رهبری از آغاز حکومت جدید فرماندهان اغلب ملیشه‌های قومی‌شان را در اردوی ملی افغانستان، پولیس ملی افغانستان و ریاست امنیت ملی مدغم ساخته‌اند. تعداد قریب به اتفاق اکثری از افسران اردوی ملی افغانستان و پولیس ملی افغانستان تاجیک و ملیشه‌های پیشین جمعیت اسلامی هستند و عدم تناسب را ارائه می‌دهند. هرچند سیاستی وجود دارد تا تناسب تمام اقوام رعایت شود، این معیار بر نیروهای پایین‌رتبه‌ی عملی می‌شود. مردانی که حتی مدرک لیسه را ندارند، یک‌شبه به بالاترین مقام‌های نظامی دست یافته‌اند. افغانستان امروزه حدود ۱۰۰۰ جنرال دارد، بیشتر از جنرالان برحال ارتش آمریکا، قوی‌ترین ارتش جهان. تعداد سرسام‌آور این جنرال‌ها از طریق شبکه‌های حمایتی قومی و خانوادگی به این مقام‌ها دست یافته‌اند. هریک از این جنرال‌ها ده‌ها محافظ و نیازهای لجیستیکی دارد و همه مبلغ کلانی از منابع بودجه‌ی ملی را می‌مکنند.

ایالات متحده، از تهاجمش در سال ۲۰۰۱ بدین سو، به‌تنهایی بیش از ۶۴ میلیارد دلار در بازسازی افغانستان، به‌شمول پولیس و ارتش آن، هزینه کرده است. با این حال، همه‌ی این‌ها برای افغان‌ها نهادهای امنیتی پایدار به ارمان نیآورده‌اند. نیروهای هوایی افغانستان هنوز با تعداد اندک چرخبال‌های ناکارآمد فعالیت

تذکره‌ی الکترونیک بود، رئیس‌جمهور غنی اقدام اساسی‌یی را در این زمینه انجام نداد. اصلاح نظام انتخاباتی با انجام برخی اقدامات نمایشی به فراموشی سپرده شد و روند توزیع تذکره‌ی الکترونیک رسماً به تعلیق درآمد. حالا با وجود ماه‌ها تاخیر در برگزاری انتخابات پارلمانی، نه نظام انتخاباتی اصلاح شد و نه هم تذکره‌های الکترونیک توزیع گردید.

تعلل در اصلاح نظام انتخاباتی و جلوگیری از توزیع تذکره‌ی الکترونیک یک انفعال عادی نبود، این کار کل روند را مختل کرده است و برگزاری انتخابات را عملاً به بن‌بست کشانده است. بسیاری از نیروهای سیاسی در درون و بیرون از حکومت با تجربه‌ی ناکام گذشته و عدم ایجاد اصلاحات لازم تمایلی برای برگزاری انتخابات ندارند و از جانب دیگر حکومت به‌خصوص جناح رئیس‌جمهور حاضر نیست دست به این کار بزند و زمینه را برای برگزاری انتخابات شفاف فراهم سازد. این مسأله عملاً روند انتخابات را به بن‌بست کشانده و به همین دلیل کمیسیون‌های انتخاباتی نیز نمی‌توانند کاری در این زمینه انجام دهند. علاوه بر اختلافات سیاسی و وعده‌خلافی سران حکومت به مردم، بسیاری از مشکلات دیگر نیز در برابر این روند وجود دارد. مشکلات امنیتی، نبود منابع مالی مشخص برای برگزاری انتخابات و بی‌میلی مردم نسبت به این روند، کار را دشوارتر کرده است. با همه‌ی این مشکلات، گمان نمی‌رود حکومت بتواند دست‌کم تا ماه سرطان سال آینده انتخابات پارلمانی و شورای ولسوالی‌ها را برگزار کند. با توجه به شدت اختلافات در حکومت و مشکلات موجود، این کار ممکن است برای مدت‌های بیشتر به تاخیر افتد.

بدون شک این تاخیر در برگزاری انتخابات، بزرگترین عقب‌گرد در روند دموکراتیک‌سازی کشور است. رئیس‌جمهور غنی که خود در دامن یک کشور دموکراتیک پرورش یافته و انتظار می‌رفت افغانستان را با مدیریت درست به سمت دموکراتیزاسیون سوق دهد، خود هیچ تمایلی برای این کار از خود نشان نمی‌دهد. این کار نقض صریح قانون اساسی کشور می‌باشد و شخص رئیس‌جمهور در این نقض آشکار قانون اساسی دست دارد.



سرنوشت مبهم انتخابات پارلمانی

■ عرفان مهران

خود عمل کنند. ظاهراً اقداماتی را که حکومت و کمیسیون‌های انتخاباتی انجام می‌دهند، هیچ‌کدام نتیجه‌ی مشخصی را در پی ندارند و چشم‌انداز روشنی برای این کار ایجاد نمی‌شود.

دلیل تاخیر در برگزاری انتخابات هم بر همگان روشن است. اختلافات سیاسی باعث شده تا تمامی برنامه‌ها تحت تأثیر آن قرار گرفته و برگزاری انتخابات به‌طور مکرر به تاخیر بیفتد. تجربه‌ی ناکام انتخابات گذشته و عدم پابندی حکومت به ایجاد اصلاحات در نظام انتخاباتی، کار برگزاری انتخابات را بیش از پیش مشکل کرده است.

در حالی که یکی از محورهای اساسی توافق‌نامه‌ی تشکیل حکومت وحدت ملی ایجاد اصلاحات در نظام انتخاباتی و توزیع

کاری نمایندگان فعلی را تمدید کرد. در آن زمان حکومت وعده داده بود تا دست‌کم یک ماه بعد از تمدید زمان کاری پارلمان فعلی، تاریخ برگزاری انتخابات را مشخص نموده و اقدامات لازم را برای اجرای آن انجام دهد.

حالا از آن زمان تاکنون بیش از یک‌و‌نیم سال گذشته است. پارلمان موجود برخلاف حکم قانون اساسی، بیش از یک‌و‌نیم سال به فعالیت خود ادامه داده است و هنوز روشن نیست این دوره چه زمانی به پایان خواهد رسید و در نهایت انتخابات پارلمانی چه‌وقت برگزار خواهد شد.

در طول این دوره، حکومت و نهادهای مسئول برگزاری انتخابات بارها وعده داده‌اند که دست‌کم زمان برگزاری انتخابات را مشخص می‌کنند، اما هنوز نتوانسته‌اند به این وعده‌ی

در حالی که سال جاری اندک‌اندک به پایان خود نزدیک می‌شود، هیچ نشانه‌ی روشنی از آمادگی حکومت و کمیسیون انتخابات برای برگزاری انتخابات پارلمانی و شورای ولسوالی‌ها به مشاهده نمی‌رسد. کمیسیون مستقل انتخابات هنوز تاریخ مشخصی را برای برگزاری انتخابات پارلمانی تعیین نکرده و تمامی مشکلاتی که از مدت‌ها پیش برای برگزاری این انتخابات وجود داشتند، کماکان حل نشده باقی مانده‌اند.

بر اساس قانون اساسی کشور، زمان کار این دوره‌ی پارلمان در آخر جوزای سرطان سال ۱۳۹۴ به پایان رسیده بود. اما رئیس‌جمهور غنی به‌دلیل عدم آمادگی حکومت برای برگزاری انتخابات پارلمانی و تعهدات سران حکومت برای اصلاح نظام انتخاباتی، دوره‌ی

من مهم‌تر آن احساس ناامنی و تهدید بود که با آن بوسه همراه شده بود. او به من این احساس را داد که من روی بدن خودم کنترل و مالکیت ندارم و او می‌تواند از من برخلاف میل خودم استفاده کند. من سال‌ها سکوت کردم و فقط به یک دوستم گفتم. آن دوستم از من خواست که درباره‌ی این اتفاق خاموش باشم چون شرم‌آور است. دوستم با این کارش این ایده‌ی غلط را که زنان در آزار و اذیت جنسی مقصرانند و باید وقتی آزار دیدند خجالت بکشند، تأیید کرد.

چند سال بعد، من با کتاب «دختران رابعه» که مجموعه‌ی نویسنده‌ها و شعرهای زنان افغان است آشنا شدم. این کتاب مرا برای همیشه تغییر داد. خواندن گزیده‌هایی از این کتاب، به‌خصوص آن‌هایی که در مورد آزار و اذیت زنان بود، به من امید بیشتری داد. مهم‌تر از همه، این کتاب این حقیقت را به من آموخت که من مقصر نیستم، بلکه آن‌ها، مزاحم‌ها و سوءاستفاده‌کنندگان، مقصر بودند و هستند.

از طریق کتاب و نویسندگان دختران رابعه، یاد گرفتم که من تنها نیستم. بسیاری از دختران دیگر هستند که آزارهای مشابه و حتا وحشتناک‌تر از آنچه که من تجربه کرده بودم را متحمل شده‌اند. متوجه شدم که من با شرایط و آنچه اتفاق افتاده بود باید کنار بیایم و خود را بالاتر از آن قرار دهم و دیگر نگذارم آزاردهندگان به آزار ذهنی و روانی من ادامه دهند. امروز بلاخره بعد از نوشتن خاطراتم، به من حس آزادی از رنج روحی و بار عظیمی که آزاردهندگان از کودکی بر شانه‌هایم مانده بودند دست داد.

یادداشت: این مطلب بر اساس همکاری دو‌جانبه میان روزنامه‌ی اطلاعات روز و وبلاگ دختران رابعه به نشر رسیده است. دختران رابعه یک مرجع و نهاد مستقل می‌باشد و تعلق‌ی به روزنامه‌ی اطلاعات روز ندارد.

پس از آزار و اذیت جنسی، همبستگی زنان به من نیرو داد

■ نویسنده: یلدا سرور ■ ترجمه: مریم لعلی

آزاردهنده نبود. خمیر را در نانوائی گذاشتم و خواستم اگر می‌توانند نان‌هایم را زودتر بپزند. نانوا اشاره کرد که فقط یک خمیر همسایه از من بیشتر آمده و می‌توانم در نانوائی منتظر بنشینم. نانوا تازه به کارش شروع کرده بود که بدترین کابوسم به حقیقت تبدیل شد، چون دیدم که آن مرد مضر در کنج نانوائی نشسته است و من هم راه و جایی برای فرار ندارم.

فکر کردم تمام وجودم فلج شده، اما یادم آمد که نانوا و دستیار او هم در آن‌جا هستند. به خودم گفتم: «آن‌ها هرگز اجازه نخواهند داد که آنچه با من در ملی‌بس اتفاق افتاد، دوباره تکرار شود. هیچ راهی وجود ندارد.»

برای یک دقیقه آرام شدم. به خودم گفتم که ساکت این‌جا می‌نشینم و او حتا متوجه حضورم نخواهد شد. کوشش کردم حتا صدای نفس کشیدنم را کم کنم تا مبادا او بشنود. اما آشکار بود که او مرا دیده بود. حس کردم که به من نزدیک‌تر می‌شود، اما پیش از آن‌که بفهمم او رویم را بوسید.

من هرگز از این حادثه با هیچ‌کسی صحبت نکردم چون احساس بدی داشتم. هر چند ممکن است برخی بگویند که «فقط یک بوسه» بود، اما برای

و اذیت جنسی را می‌شنوم به‌صورت ناگهانی و غیرارادی افسرده می‌شوم.

دفعه‌ی بعدی که مورد آزار قرار گرفتم در یک نانوائی بود. این‌بار توسط مردی که در کوچه‌ی پایین‌تر از ما زندگی می‌کرد اذیت شدم. شایعه‌ی درباره‌ی این مرد بود که او توسط کسی که در برابرش حسادت داشته مسموم شده بود. این‌که این شایعه راست بود یا نه، هیچ‌کس نمی‌دانست، اما او خودش کسی بود که باعث آزار و اذیت هر رهگذری، به‌ویژه کسانی که به تنهایی راه می‌رفتند، می‌شد. به همین دلیل من همیشه کوشش می‌کردم که از کوچه و اطراف او تیر نشوم.

بعد از ظهرهای طلایی کابل اغلب ساکت و آرام، گرم و بی‌سروصدا بود. در آن بعد از ظهر خلوت به‌خاطر ترس از روبه‌رو شدن با یکی دیگر از آزاردهندگان، نمی‌خواستم که خمیر را به نانوائی ببرم. با وجود آن با اصرار خانواده از خانه برآمدم. برای من دردآور است که همه‌ی تصامیم ما زنان در مورد موجودیت ما در محلات اجتماعی وابسته به موجودیت مردان آزاردهنده است و ما همیشه خود را مقید می‌کنیم تا در امان باشیم. به نانوائی رسیدم. هیچ نشانه‌ی از آن مرد

اولین باری که این اتفاق افتاد من در یک ملی‌بس بودم. پس از سقوط طالبان ما تازه به افغانستان بازگشته بودیم. این دومین باری بود که من سوار ملی‌بس شده بودم. همراه مادرم بودم که چادری پوشیده بود.

من خیلی خرد بودم. یادم نیست که کجا روان بودیم، اما چیزی که یادم است این است که چگونه زمانی که یک مرد بیگانه شروع به آزار و اذیت‌ام کرد احساس درماندگی، ترس و بیچارگی کردم. من کودکی بیش نبودم و حتا کلمه‌ی «آزار جنسی» را نمی‌فهمیدم. فقط می‌خواستم این مرد دست‌های نجس‌اش را از روی ران من دور کند.

می‌خواستم پیچ بزنم و از مادرم کمک بخواهم که این مرد را از من دور کند اما ملی‌بس بسیار بیروبار بود و مادرم هم از من دور. او صدای گریه‌ی آرامم را نمی‌شنید. طرف مسافران دیگر که پهلوی من در ملی‌بس بودند با نگاه غیرمطمئن و وحشت‌زده می‌دیدم. اصلاً نمی‌فهمیدم که برایم چه اتفاقی می‌افتد، اما فقط از آن متفرد بودم. از این هم متفرد بودم که در یک ملی‌بس پر از مرد از رفتار این مرد چشم‌پوشی می‌شد. متفرد بودم که مادرم از من دور بود، آن‌هم در لحظه‌ی که من بیشتر از هر وقت دیگر به او نیاز داشتم.

ایستگاه بعدی از ما بود. مادرم از آن‌سوی ملی‌بس برایم اشاره نمود که نزدیک بروم تا پایین شویم. من ایستادم و آن مرد بلاخره مجبور شد که دستش را از رانم پس کند. چند قدم که طرف مادرم رفتم آن‌قدر احساس آزادی برایم دست داد که تا امروز آن را فراموش نکرده‌ام.

این تجربه سال‌ها مرا آزار داد و باعث شد که من همیشه ترس داشته باشم و بیش از گذشته مراقب دور و پیش خود باشم. به‌خصوص در فضاهای عام و ملی‌بس‌ها احساس هراس هرگز رهایم نمی‌کرد. حتا امروز، بیش از ده هزار مایل دور از جایی که این اتفاق‌ها رخ داد، ۱۳ سال بعد، من هنوز هم وقتی در تلویزیون تجارب بازماندگان آزار

چهلک

سخن‌سازان

تذکره‌ی سفالی

از همان روزی که آوازه افتاد دولت تذکره‌ی الکترونیکی توزیع می‌کند من نگران شدم. می‌دانستم طبیعت ساده و بی‌ریای ما مردم با این شیطنت‌ها جور نمی‌آید. با وجود این، توکل کردم و از قادر متعال خواستم که تذکره‌ی ما را چنان که خود می‌داند و تا حدی که او تعالی لازم می‌بیند الکترونیک نماید. اما این که چرا نگران بودم قصه‌ی درازی دارد، اما کوتاهش این است:

در تذکره‌ی کاغذی پسر من در برابر کلمه‌ی شغل نوشته‌اند: خوردن. من بار اول که این را دیدم، ناراحت شدم. از یک سو، این پسر بعدها که کلان شود و هر جا تذکره‌اش را ببیند، مردم از او خواهند رمید. مگر پسر من گرگ است که شغل او خوردن باشد؟ گیرم منظور از خوردن همین غذای انسانی باشد، شما تا حالا دیده‌اید که کسی شغل رسمی‌اش خوردن باشد؟ از سویی دیگر، لابد کسی که شغل‌اش خوردن باشد، در همین رشته آموزش هم دیده. این به من و مادر او هم بر می‌خورد. همه فکر می‌کنند ما هنر دیگری جز خوردن بلد نبوده‌ایم که به فرزندمان یاد بدهیم.

از یک سو و از سویی دیگرش را گفتم، یک سویی دیگر هم اجازه هست؟ از یک سویی دیگر، اگر اطلاعات یک نفر در چندین کامپیوتر به چندین شکل ثبت شوند، مصیبت عظیمی می‌شود. حتماً می‌گویند امکان ندارد که چنان شود. شما خیلی خوش بین هستید. چه طور امکان ندارد؟ شغل همین پسر من در تذکره‌ی کاغذی «خوردن» ثبت شده و در کامپیوتر مرکزی اداره‌ی ثبت نفوس «خواندن» ذکر گردیده. پسر من که هنوز نان را هویه و مرا کویه صدا می‌کند، خواندن‌اش از کجا شد؟ البته امکان دارد منظور از خواندن همان آوازخوانی باشد. در این صورت، شاید بتوان چیه زدن‌های نیمه‌شبیشان را در شمار «خواندن» آورد (چرا که خواننده‌گان مشهور ما هم از این بابت با او زیاد فرق ندارند).

البته من نگرانی دیگری هم دارم:

سال‌ها بعد، ممکن است دولت پسر را مواخذه کند که چرا همزمان دو شغل خوردن و خواندن دارد. این را به این خاطر می‌گویم که در دولت افغانستان هر فرد می‌تواند تنها یک شغل داشته باشد (به استثنای خواهرزاده‌های مقامات که هفت شغل همزمان دارند و به مقامات هم مشوره می‌دهند).

به خاطر همین مشکلات، پیش‌نهاد من این است که به جای تذکره‌ی کتابچه‌یی و یا الکترونیکی به همه‌ی شهروندان تذکره‌ی سفالی (به‌شکل کوزه) توزیع شود. عکس مکس و بعضی اشیای مهم دیگر که برای تشخیص هویت افراد لازم‌اند نیز در همین کوزه انداخته شوند. این تذکره‌ی سفالی یا شناسنامه‌ی کوزه‌یی این حسن را هم دارد که شهروند می‌تواند در مواقع ضرورت در آن آب بنوشد.

چند روز پیش از یکی از برادران هموطن پرسیدم «راستی چه طور شد تذکره‌ی الکترونیکی گرفتید؟». عصبانی شد و گفت: «من در تذکره‌ی الکترونیکی می‌شاشم». به نظر من، با تذکره‌ی الکترونیکی این کار مشکلی است. تذکره‌ی کوزه‌یی این امکان را به برادر مذکور می‌دهد که عملاً چنان کاری بکند و حتا نتیجه‌ی کار خود را نگه دارد. شما چه فکر می‌کنید؟

جشن‌واره‌ی «فجر» فریب

عمران راتب

در سرگذشت مهاجرانی که تجربه‌های تلخ و سیاهی را در ایران از سر گذرانده و با بازمانده‌های آن تجربه‌ها که در سال‌های اخیر به لطف همین امکانات فرهنگی از قبیل سینما و تلویزیون و رسانه‌های دیگر تشدید هم شده، هنوز در گیراند، ناگهان چه اتفاقی می‌افتد که فردی به لحاظ دانش فرهنگی و ادبی نه چندان استثنا و متمایز، از میان آن‌ها به دبیری جشن‌واره‌ی معتبری برگزیده می‌شود که بیشترین اعتبارش را از آن‌جا می‌گیرد که مورد پذیرش و دستور سیاست دیکتاتور مآبانه و حد گذارانه‌یی است که در رأس آن، شخصی قرار دارد که خود را «ولی فقیه» می‌خواند؟

اما در جهانی که سیاست ناروای غیردموکراتیک، تعیین‌کننده‌ی مناسبات فرهنگی و هنری آن نیز است، و اندیشه و خلاقیت‌ها تنها زمانی مجال بروز و مطرح شدن می‌یابند که سیاست نیندیش مسلط به آن اجازه دهد، بهتر این است که در مواجهه با اتفاق رسیدن شاعر مهاجری که سال‌ها از بی‌مهری کشور میزبان شکوه سر می‌داد و می‌نالید که «به سنگ‌سنگ بناها نشان دست من است» به دبیری جشن‌واره‌یی که قبل از همه رضایت «ولی فقیه» برای آن مهم است، می‌بایست با اندکی تردید و هرمنوتیک سوءظن نگریست. این رویکرد به ما کمک می‌کند که بی‌آن‌که جنبه‌های پذیرفتنی ماجرا از نظر دور افکنده شود، جای ذوق‌زدگی‌ها و خرسندی‌های موج‌وار ما را تأمل و برخورد دقیق‌تر به دیگر جنبه‌های ممکن ماجرا بگیرد. سواً این که کاظم کاظمی رابطه‌ی خوب و نزدیکی با رهبری کشور میزبان برقرار کرده، بدون این که تلاشی در کتمان و انکار آن بکند، و این امر به خودی خود می‌تواند نشانه‌های خوبی از حقیقت پس‌زمینه‌ی ماجرا و لایه‌های ممکن و متعدد مسئله‌ی رسیدن ایشان به دبیری جشن‌واره‌ی فجر به دست ما بدهد، برای تردید در حسن‌نیت مسئولینی که ایشان را به دبیری جشن‌واره انتخاب کرده و کلیت ماجرا، می‌توان از گوشه‌های دیگر حقیقت مهاجرت و مهاجرین هم‌سرنوشت آقای کاظمی در ایران نمونه‌های زیادی آورد. در همین راستا باید تأکید بکنم که این امر، به هیچ‌وجه نمی‌تواند ارزش منزلتی را که آقای کاظم کاظمی با احراز کرسی دبیر جشن‌واره کسب کرده انکار و کتمان کند. مسئله‌ی اما بیشتر این است که نفس رسیدن به چنین ارزشی، اینک خود تبدیل به مسئله‌یی شده است. بازتاب این خبر در میان فرهنگیان ایران و به همین سان در افغانستان، قبل از این که وجهی صرفاً فرهنگی و ادبی داشته باشد و مخاطبان مدعی را متوجه این مسئله بکند که مقام دبیری جشن‌واره‌ی فجر در نفس خود حامل چه نوع ارزش و اهمیتی است، ذهن‌شان را سراسر برد به این سو که، آقای کاظمی چگونه توانست به این مقام برسد؟ این بازتاب ظاهراً منحرف و ناراست اما، در واقع چندان هم کج‌دار و مریز نمی‌تواند بود: در سرگذشت

«جشن‌واره‌ی بین‌المللی شعر فجر»، از جشن‌واره‌های مهم شعری میان فارسی‌زبان‌های جهان است. اما مرکزیت این جشن‌واره، همواره در ایران بوده است. امسال، کاظم کاظمی از شاعران افغانستانی مهاجر در ایران، از سوی مسئولین و مدیران وزارت «ارشاد» به دبیری یازدهمین دور این جشن‌واره برگزیده شده است؛ اتفاقی که در تاریخ مناسبات چند دهه پسین فارسی‌زبان‌ها، به‌خصوص روابط نویسندگان و فرهنگیان دو کشور ایران و افغانستان، می‌توان گفت نسبتاً حیرت‌انگیز است. اما به نظر می‌رسد که نگاهی به کارنامه‌ی فرهنگی آقای کاظمی در ایران، دست‌کم بخشی از این حیرت را برای ما قابل توجیه می‌سازد. کاظمی شاعری است که علی‌رغم تجربه‌ی روزگاران تلخ مهاجرت در کشوری که مناسبات و رخدادهای اجتماعی آن کاملاً تک-مرجع‌اند و از آدرس مقتدر واحدی مدیریت می‌شوند، توانسته جایگاهی بهتر نسبت به دیگر مهاجران برای خود کمایی کند. از قضا، می‌توان از همین نکته به‌عنوان رمز موفقیت کاظمی و امری که او را در رسیدن به مقام دبیری جشن‌واره‌ی فجر یاری رسانده، سخن گفت.

در جامعه‌ی دموکراتیک و در فضایی که هنر و ادبیات خود سخن می‌گوید و از آن رو که بخشی مستقل از دست‌آوردها و تجربیات انسان‌هاست، به‌سادگی نمی‌توان از دیگر حوزه‌ها به‌مثابه‌ی ابزاری جهت قرار گرفتن در موقعیتی بهتر در عرصه‌ی هنر و ادبیات استفاده کرد. عکس این مسئله نیز صادق است. یعنی موقعیت والای هنری و ادبی برای شخصی، نمی‌تواند دست‌مایه و امکانی باشد برای کسب جایگاهی سیاسی ممتاز. زیرا در چنین فضایی، نسبتی را که انسان‌ها با حوزه‌ها و نهادها برقرار می‌کنند، نظر به حوزه‌ی خاصی و رابطه‌ی آن با دیگر حوزه‌ها، در حدی وسیع و تعیین‌کننده پالوده و خودمبنا است. بدین لحاظ که اگر مسئله هنر و ادبیات باشد، بی‌آن‌که افراد به یمن مقام و منزلت سیاسی و اقتصادی بخوانند وارد آن شوند، تلاش‌شان را متمرکز بر هنری بودن و ادبیات می‌کنند. همین‌طور، منزلت سیاسی و اقتصادی نیز نمی‌تواند برای افراد راهی به‌سوی احراز موقعیت و جایگاه هنری و ادبی باز کند.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۳۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۵۰۰۰ افغانی

یک ساله

برای متعلمین و محصلین

۲۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۴۰۰۰ افغانی

یک ساله

zaki.daryabi2@gmail.com

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی

معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا

سردبیر: خلیل پژواک

دبیر خبر: عصمت الله سروش

گزارشگر: الیاس نواندیش

ویراستار: عمران راتب

صفحه آرا: هادی دریابی

hussainjoya2014@gmail.com

بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا

شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶

مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲

چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.



بگو مگو facebook



Dr. Mohammad
تقسیمات کشوری افغانستان (۲)
نکته چهارم:

تقسیمات کشوری مطابق نظامنامه تقسیمات ملکیه؛ مصوب سال ۱۳۰۰ هـ. ش به قرار آتی صورت گرفته بود:
الف. ولایات: کابل، هرات، فندهار، ترکستان، قطغن و بدخشان.
ب. حکومتي اعلا: سمت مشرقي، سمت جنوبي، فراه، میمنه.
ج. ولایت کابل متشکل از چهار حکومتي کلان بود:
۱. حکومتي کلان کابل علاوه بر نه قریه و پنج علاقه مربوط به مرکز، دارای دو حکومتي درجه دوم (وردک با سه علاقه، میدان با دو علاقه) و دو حکومتي درجه اول (بامیان با سه علاقه، لهوگرد (لوگر) با سه علاقه) و در مجموع، دارای چهار حکومتي و یازده علاقه بود.
۲. حکومتي کلان سمت شمالي، علاوه بر هفت قریه و سه علاقه مربوط به مرکز، دارای دو حکومتي درجه سوم (کوهدامن با سه علاقه، تکاب و اسپین و اسکین با دو علاقه) یک حکومتي درجه دوم (غوربند با یک علاقه) و یک حکومتي درجه اول (ریزه کوهستان و شیرخان خیبل با نه علاقه) و در مجموع، دارای چهار حکومتي و هجده علاقه بود.
۳. حکومت کلان غزنین، علاوه بر چهار قریه و چهار علاقه، دارای دو حکومتي درجه سوم (جاغوري با یک علاقه، اجرستان و چقماق ملک) و یک حکومتي درجه دوم (مقر با دو علاقه) جمعاً دارای سه حکومتي و هفت علاقه بود.
۴. حکومت کلان دایزنگي متشکل از یک حکومتي درجه دوم (بهسود با یک علاقه)، یک علاقه درجه اول (دایکندي) و خود دایزنگي به حیث حکومت کلان بود.
د. ولایت فندهار متشکل از سه حکومتي کلان بود:
۱. حکومت کلان فندهار، علاوه بر ده قریه (بدون علاقه) مربوط به مرکز، دارای سه حکومتي درجه دوم (ترنک و جلدک، ارغستان با یک علاقه، دهله با دو علاقه) و شش حکومتي درجه اول (قلات توخي با یک علاقه، گرمسیر با یک علاقه، کندي با یک علاقه، کشک نخود با دو علاقه، دهرآود، ترین) و جمعاً دارای نه حکومتي و هشت علاقه بود.
۲. حکومت کلان پشت رود دارای یک حکومتي درجه اول (زمین داوور با یک علاقه)، یک علاقه درجه دوم (واشیر) و سه علاقه درجه اول (قلعه گز معه کاریز، ناوه بارکزی، نوزاد) و در مجموع، دارای یک حکومتي و پنج علاقه بود.
۳. حکومت کلان ارزگان با یک حکومتي درجه سوم (گیزاب و خلیج با یک علاقه) و دو علاقه درجه دوم (چله کور و هزاربیز، چوره) و جمعاً دارای یک حکومتي و سه علاقه بود.
هـ. ولایت هرات اما بدون حکومتي کلان، علاوه بر ده قریه و شش علاقه مربوط به مرکز، متشکل از چهار حکومتي درجه دوم (بالامرغاب با یک علاقه، اوبه با دو علاقه، تولک با یک علاقه، چقچران با یک علاقه، و پنج حکومتي درجه اول (غور با دو علاقه، سبزوآر با دو علاقه، غوریان با یک علاقه، کشک با یک علاقه، قلعه نو با یک علاقه) و در مجموع، دارای نه حکومتي و هجده علاقه بود.
و. ولایت ترکستان نیز بدون حکومتي کلان، با نه قریه و چهار علاقه مربوط به مرکز، متشکل از شش حکومتي درجه دوم (شخشوک با دو علاقه، درزاب و گرزبان، دره صوف، عوض ایل بیگی عرب سیاه، عوض ایل بیگی سرپلی، نهر دولت آباد با دو علاقه) و پنج حکومتي درجه اول (سنگ چهارک با دو علاقه، نهر آقچه با یک علاقه، اندخوي با یک علاقه، سرپل با سه علاقه، تاشقرغان با دو علاقه) و در مجموع، دارای یازده حکومتي و هفده علاقه بود.
ز. ولایت قطغن و بدخشان متشکل از دو حکومتي کلان بود:
۱. حکومت کلان قطغن، علاوه بر سه علاقه مربوط به مرکز، دارای دو حکومتي درجه دوم (خوست و فرنگ، تالقان) و دو حکومتي درجه اول (اندراب با یک علاقه، غوري با چهار علاقه) و در مجموع، دارای چهار حکومتي و هشت علاقه بود.
۲. حکومت کلان بدخشان، علاوه بر نه قریه و شش علاقه مربوط به مرکز، دارای چهار حکومتي درجه اول (چاه آب و رستاق، واخان و پامیر، درواز، جرم و خاش) بود.
ح. حکومت اعلاي سمت مشرقي، علاوه بر هشت قریه و چهار علاقه، متشکل از چهار حکومتي درجه سوم (نورستان با چهار علاقه، سرخورد با یک علاقه، مهمند دره، رود حصارک) و چهار حکومتي درجه اول (کنرہا با چهار علاقه، لمقان (لغمان) با سه علاقه، رود شیواری با سه علاقه، خوگیانی با سه علاقه) و جمعاً دارای هشت حکومتي و بیست و یک علاقه بود.
ط. حکومت اعلاي سمت جنوبي، علاوه بر چهار قریه و چهار علاقه، متشکل از یک حکومتي درجه دوم (چمکني با دو علاقه) و دو حکومتي درجه اول (ازگون با پنج علاقه، گردیز با چهار علاقه) و جمعاً دارای سه حکومتي و پانزده علاقه بود.
ي. حکومت اعلاي فراه متشکل از سه علاقه و یک حکومتي درجه اول (چخانسور با چهار علاقه) و جمعاً دارای یک حکومتي و هفت علاقه بود.
ک. حکومت اعلاي میمنه اما بدون حکومتي، تنها از چهار قریه، سه علاقه درجه دوم (بیرون سونه بالا و پایان، تکاب شیرین، کوهستان) و یک علاقه درجه اول (المار- قیصار) تشکیل شده بود.
ادامه دارد...

بریتانیا دعوتش را از ترامپ پس نمی گیرد

هفت کشور یاد شده به ایالات متحده امریکا استناد کرده و از دو تابعیتی‌ها خواسته است که درخواست وقت قبلی برای ارائه دادن تقاضای ویزای امریکا نکنند.

در بیانیه‌ی سفارت امریکا در لندن آمده است: «اگر [برای صدور ویزا] وقت قبلی گرفته‌اید، از شما خواهش می‌کنیم به سفارت‌خانه مراجعه نکنید. زیرا ما نمی‌توانیم با شما مصاحبه کنیم.»

تدابیر اتحادیه‌ی اروپا

اتحادیه‌ی اروپا در واکنش به تحولات اخیر اعلام کرده است که اجازه نمی‌دهد دونالد ترامپ، رییس جمهور امریکا نسبت به اتباعش تبعض قائل شود.

یک سخن‌گوی کمیسیون اتحادیه‌ی اروپا، دوشنبه ۳۰ جنوری به خبرگزاری فرانسه گفته است: «طبعاً ما کاری می‌کنیم که شهروندان اتحادیه‌ی اروپا مورد تبعیض قرار نگیرند.»

به گفته این مقام مسئول، وکلای اتحادیه‌ی اروپا در حال بررسی این پرونده‌اند و با کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا و با کشورهایی که شهروندان دو تابعیتی با منع سفر به امریکا در آن‌جا متولد شده‌اند، در حال گفت‌وگو هستند.

شاهزاده ولز می‌کند. بنابراین او نباید در طول دوران ریاست جمهوری‌اش برای ملاقات رسمی به بریتانیا دعوت شود.»

همچنان‌که جامعه‌ی جهانی در حال محکوم کردن سیاست‌های دونالد ترامپ است، سیاستمداران محافظه‌کار بریتانیا، حزب کارگر و لیبرال دموکرات نیز تصمیم ترزا می مبنی بر دعوت از ترامپ را زیر سوال برده‌اند.

جرمی کوربن، رهبر حزب کارگر گفته که این سفر مادامی که ترامپ مهاجران را در کشور خود نمی‌پذیرد باید متوقف شود. او همچنین پرسیده که چرا ترزا می به این سرعت ترامپ را با وجود سیاست‌های مناقشه‌برانگیزش به بریتانیا دعوت کرده است.

سفارت امریکا در لندن: به دو تابعیتی‌ها هم ویزا نمی‌دهیم

در همین حال سفارت امریکا در لندن با انتشار بیانیه‌ی اعلام کرده است که شهروندان دو تابعیتی که محل تولد آن‌ها در کشورهای ایران، عراق، لیبی، سومالی، سودان، سوریه و یمن است تقاضای صدور ویزای امریکا نکنند. به آن‌ها ویزا داده نمی‌شود.

سفارت امریکا در لندن به مصوبه‌ی منع سفر اتباع

اطلاعات روز: توماری که خواهان پس گرفتن دعوت از دونالد ترامپ برای دیدار از بریتانیا بود، بیش از یک میلیون امضا گرفته اما نخست‌وزیر بریتانیا می‌گوید که دعوتش را از رییس‌جمهور امریکا پس نمی‌گیرد.

به نقل از رادیو زمانه، توماری را که روی سایت رسمی تومارهای دولت قرار گرفته در یک دقیقه بیش از هزار نفر امضا کردند. تعداد امضاهای آن به سرعت به ۱۰۰ هزار نفر رسید و انتظار می‌رود که موضوع بحثی در پارلمان قرار بگیرد. بر اساس قوانین بریتانیا، هر درخواستی که به امضای صد هزار نفر یا بیشتر برسد باید در مجلس این کشور به بحث گذاشته شود.

با این حال داویننگ استریت تایید کرده که ترزا می دعوتش را از رییس‌جمهور امریکا پس نخواهد گرفت چون این دعوت بی‌تردید به سود بریتانیاست.

تومار یاد شده تأکید کرده که ترامپ نباید از امکان دیدار کاملاً رسمی بریتانیا شامل ملاقات با خاندان سلطنتی بهره‌مند باشد چون این دیدار باعث «تکدر خاطر ملکه» خواهد شد.

در این تومار آمده: «زن‌ستیزی و ابتذال دونالد ترامپ او را فاقد صلاحیت پذیرفته شدن از سوی ملکه یا

۲۷۰ نفر به اتهام دست داشتن در کودتای سال گذشته در ترکیه محاکمه می‌شوند

پس از این کودتای نافرجام، ده‌ها هزار نفر را تاکنون به ظن ارتباط با جنبش فتح‌الله گولن بازداشت یا از کار برکنار کرده است.

رجب طیب اردوغان هوادارن جنبش گولن را یک «گروه تروریستی» می‌خواند اما منتقدان بر این باور هستند که سرکوب گسترده در ترکیه با هدف مقابله با هرگونه مخالفتی با رجب طیب اردوغان انجام می‌شود.

گروه‌های حقوق بشری دولت ترکیه را متهم به شکنجه و آزار بازداشت‌شدگان در ارتباط با کودتا می‌کنند.

تبعید خودخواسته در ایالات متحده‌ی امریکا به سر می‌برد.

به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، قرار است آقای گولن غیابی محاکمه شود. دولت ترکیه آقای گولن را به دست داشتن در این کودتا متهم می‌کند اما او هرگونه نقش خود در این کودتا را رد کرده است.

در جریان برگزاری این دادگاه در ازمیر ترکیه، پهلپادها در آسمان این زندان را زیر نظارت دارند. فتح‌الله گولن چهره‌ی مذهبی مخالف رجب طیب اردوغان، رییس‌جمهور ترکیه است. دولت ترکیه

اطلاعات روز: پس از ناکام شدن کودتای نظامی ۱۵ جولای در ترکیه در سال گذشته میلادی، یکی از بزرگترین دادگاه‌های مرتبط با این کودتا با حضور بیش از ۲۷۰ متهم برگزار می‌شود. این دادگاه در شهر ازمیر تحت تدابیر شدید امنیتی در یک زندان برگزار می‌شود و کسانی که از خارج وارد زندان شوند، دو بار تلاشی می‌شوند. در این دادگاه علاوه بر یک جنرال سابق، ۱۵۰ نفر که در بازداشت به سر می‌زنند نیز محاکمه می‌شوند. متهم ردیف اول این پرونده، فتح‌الله گولن است که از سال ۱۹۹۹ به این طرف در یک

حمله به مسجدی در کانادا شش کشته و هشت زخمی به جا گذاشت

با قربانیان و خانواده‌های آنان گفته است: «امشب کانادایی‌ها برای قربانیان حمله‌ی بزدلانه به مسجدی در کبک سوگواری می‌کنند.»

براساس گزارش‌ها، قربانیان این حادثه بین ۳۵ الی ۷۰ سال سن داشته‌اند و به گفته‌ی پولیس حال شماری از مجروحان بسیار وخیم است.

این حمله در حالی صورت می‌گیرد که در ماه رمضان سال گذشته در مقابل این مرکز اسلامی سرخوکی گذاشته شده بود که روی آن نوشته شده بود «نوش جان».

در محل و دیگری در نزدیکی مسجد، دستگیر شده‌اند. هنوز روشن نیست انگیزه‌ی مهاجمان از این حمله چه بوده است اما نخست‌وزیر استان کبک، فیلیپ کوئیار آن را یک اقدام «تروریستی» خوانده است.

در همین حال یک شاهد عینی به رسانه‌ها گفته است که سه مرد مسلح در این تیراندازی دست داشتند.

جاستین ترودو، نخست‌وزیر کانادا این حمله را به شدت محکوم کرده و ضمن ابراز همداری

اطلاعات روز: پولیس کانادا می‌گوید در پی تیراندازی در مسجدی در شهر کبک، مرکز استان کبک کانادا، شش نفر کشته و هشت نفر دیگر زخمی شده‌اند.

به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، این واقعه حدود ساعت هشت شب به وقت محلی در مرکز فرهنگ اسلامی هنگامی رخ داده است که حدود ۵۰ نفر برای اقامه‌ی نماز عشا در مسجد جمع شده بودند.

در پیوند به این تیراندازی، دو مظنون، یکی

پارلمان عراق در واکنش به فرمان ترامپ به «اقدام متقابل» علیه امریکا رای داد

کشور مسلمان موضع‌گیری کند. پارلمان عراق همچنین از دولت و کنگره‌ی امریکا خواسته است در تصمیم خود برای ممنوعیت اتباع عراقی تجدیدنظر کند.

به روز جمعه آقای ترامپ با امضای یک فرمان اجرایی، ورود شهروندان سوریه، ایران، عراق، لیبی، سومالی، سودان و یمن به امریکا را به مدت سه ماه ممنوع کرد. همچنین بر پایه‌ی این دستور، برنامه‌ی پذیرش پناهندگان برای مدت چهار ماه متوقف شده است.

آقای ترامپ پیشتر در روز شنبه تأکید کرده بود که این فرمان به معنای جلوگیری از ورود مسلمانان نیست و هدف از صدور آن «حفاظت از مردم امریکا» است.

در بخش نفت و گاز عراق هم می‌شود یا خیر. از سوی دیگر، مشخص نیست تکلیف نیروهای امریکایی که در برابر گروه داعش به دولت عراق کمک می‌کنند، چه می‌شود.

این اقدام درحالی صورت می‌گیرد که ترامپ از پنتاگون یا وزارت دفاع امریکا خواسته است در ظرف ۳۰ روز طرحی را برای شکست گروه حکومت اسلامی (داعش) ارائه کند.

کمیسیون روابط خارجی پارلمان عراق پیشتر موضوع مقابله به مثل به اقدام دولت امریکا را مورد بررسی قرار داده بود.

در طرح مصوب پارلمان عراق، از اتحادیه‌ی عرب و سازمان ملل خواسته شده است نسبت به تصمیم دونالد ترامپ در مورد ممنوعیت ورود اتباع هفت

اطلاعات روز: پس از آن‌که دونالد ترامپ، رییس‌جمهور امریکا فرمانی را در مورد ممنوعیت ورود اتباع هفت کشور از جمله عراق امضا کرد، اکنون پارلمان عراق در واکنش به آن به اتخاذ «اقدام متقابل» علیه امریکا رای داد.

پارلمان عراق به روز دوشنبه، ۱۱ دلو خواستار «اقدام متقابل» دولت این کشور در برابر امریکا شده است. این مصوبه برای دولت عراق الزام‌آور است.

به نقل از رادیو فردا و به گزارش خیرگزاری آسوشیتدپرس، دو تن از نمایندگان پارلمان عراق گفته‌اند اکثریت نمایندگان پارلمان به این طرح رای داده‌اند.

تاکنون جزئیات این طرح منتشر نشده است و معلوم نیست که این طرح شامل امریکایی‌های شاغل

دفاع دوباره‌ی ترامپ از لغو ویزا: تعلیق موقت است و با قوانین جدید بر داشته می‌شود

جدید بعد از ۹۰ روز لغو می‌شود. به گفته‌ی آقای ترامپ، بیش از ۴۰ کشور دیگر مسلمان شامل این قانون نشده‌اند. در دو روز گذشته ده‌ها تجمع اعتراضی در شهرهای بزرگ امریکا برگزار شد که در آن خواستار لغو فرمان اجرایی ترامپ شدند.

آقای ترامپ با رد خواسته‌های معترضان گفت باراک اوباما نیز در سال ۲۰۱۱ صدور ویزا برای شهروندان عراق را به مدت شش ماه به حالت تعلیق درآورده بود.

بیانیه‌ی خود تأکید کرد که هدف او مسلمانان نیست بلکه هدفش مبارزه با تروریسم است. ترامپ در بیانیه‌ی خود یادآور شد: «امریکا به حضور مهاجران افتخار می‌کند و به این روند ادامه می‌دهد اما ما می‌خواهیم مرزها و مردم خودمان را محافظت کنیم.»

ترامپ ضمن رد دوباره‌ی این اتهام که فرمان اجرایی او علیه مسلمانان است را رد کرد و گفت این محدودیت‌ها موقتی است و با اصلاح قوانین و اجرای سیاست‌های امنیتی

اطلاعات روز: دونالد ترامپ در دومین موضع‌گیری بعد از امضای فرمان اجرایی برای تعلیق ویزای شهروندان هفت کشور خاورمیانه و ممنوعت از ورود پناهجویان به امریکا، بار دیگر از آن دفاع کرد و گفت امن نگه داشتن ایالات متحده‌ی امریکا یکی از اولویت‌های دولت او است و هرگونه عقب نشینی در مقابل اعتراض‌های گسترده به این فرمان اجرایی را رد کرد.

به نقل از صدای امریکا، آقای ترامپ در

توخل: نتوانستیم از برتری مان استفاده کنیم

توماس توخل، سرمربی بروسیا دورتموند، از تساوی ۱-۱ تیمش مقابل ماینس ابراز ناراحتی کرد.

در این دیدار زردها خیلی زود با گول مارکوس رویس پیش افتادند اما علی‌رغم موقعیت‌های خوبی که داشتند، نتوانستند به گول دوم برسند. در مقابل، ماینس در دقایق پایانی گول دوم را توسط دنیل لاتزا زد تا دورتموند از این دیدار تنها به یک امتیاز برسد.

توخل به خبرنگاران گفت: «در ۴۵ دقیقه اول، نمایش خوبی در یک دیدار خارج از خانه داشتیم. اما متأسفانه نتوانستیم از برتری‌مان استفاده کنیم و به گول دوم برسیم. این ناراحت‌کننده است.

مورد عجیب لوئیس سوارز در بارسلونا

لوئیس سوارز سومین فصل حضورش در بارسا را پشت سر می‌گذارد و در همین مدت توانسته به یک مهاجم غیر قابل جایگزین در جمع آبی‌اناری‌ها بدل شود. او که چندی پیش به رکورد ۱۰۰ گول زده برای بارسلونا رسید، پس از گذشت ۲۰ هفته از لالیگا، آقای گول این رقابت‌ها با ۱۶ گول زده محسوب می‌شود و از این حیث بالاتر از مسی ۱۵ گوله و رونالدوی ۱۳ گوله قرار دارد. اما نکته جالب در مورد سوارز اینجاست که او در هر مسابقه‌یی

والدانو:

بارسلونا در خارج از خانه تیمی متوسط است

مربی و مدیر ورزشی سابق رئال، تفاوت فاحشی بین سطح کیفی بازی بارسلونا در نوکمپ و بازی‌های خارج از خانه می‌بیند. بارسلونا روز یک‌شنبه در زمین بتیس با تساوی ۱-۱ متوقف شد و البته از ناحیه داوری نیز ضربه دید. این تساوی باعث شد فاصله با رئال در صدر جدول به ۴ امتیاز افزایش یابد.
خورخه والدانو در مورد بارسلونا به BNSPORTS گفت: «به اعتقاد من بارسلونا برابر بتیس تیمی متوسط و حتی در برخی دقایق ضعیف بود.

مورینیو: نظر مردم در مورد من مهم نیست

مورینیو اطمینان به خود و اهمیت ندادن به نظر مردم را رمز موفقیت خود می‌داند. مورینیو پس از یک سال تلخ و توام با ناکامی در چلسی و اخراج از آن تیم، حالا در یونایتد متحول شده و یک بار دیگر می‌توان او را آقای خاص فوتبال دنیا نامید. مورینیو خود را یک نماد در فوتبال دنیا می‌داند و برای اثبات این ادعا، دلایل خاص خود را نیز دارد. او در همین رابطه به GQ گفت: «کسانی که موفق می‌شوند افرادی هستند که با خودشان احساس خوبی دارند. من بدون این‌که بخواهم یک نماد باشم، یک نماد هستم. نماد هستم چون با خودم احساس خوبی دارم. از نظر من این مهم‌ترین قسمت، الگو بودن است. نباید اهمیتی بدهید باقی مردم در مورد شما چه می‌گویند، فقط باید برای‌تان مهم باشد که خودتان چه احساسی در مورد خودتان دارید.

باید برای لحظات خاص آماده باشید. در چهار گوشه دنیا مرا

اطلاع‌رسانی

سه‌شنبه | ۱۲ دلو، ۱۳۹۵

سال ششم | شماره ۱۳۳۷

موراتا:قهرمانی لالیگا و چمپیونز لیگ رامی خواهیم

رئال مادرید یک‌شنبه شب موفق شد سوسیداد را با سه گول درهم بکوبد تا صدرنشینی خود در لالیگا را محکم‌تر کند.

کواچیچ، رونالدو و موراتا گول‌زنان رئال بودند و کمک کردند تا این تیم فاصله خود با بارسلونا و سویا را به ۴ امتیاز افزایش دهد.

موراتا که از دقیقه ۶۵ به جای بنزما وارد بازی شد به خبرنگاران گفت: «سوسیداد تیم خوبی است و فوتبال قشنگی بازی می‌کند. می‌دانستیم که پیش از این چند تیم بزرگ را متوقف کرده؛ ولی پیروزی بر سوسیداد برای ما بسیار مهم بود؛ چرا که بارسا و سویا امتیاز از دست داده بودند و سه امتیاز برای ما حیاتی‌تر از همیشه شده بود.»

ورود به زمین از دقیقه ۶۵: «وظیفه من کمک به تیم در زمان مورد نیاز است. خوشحالم که توانستم گول‌زنی کنم و این فوق‌العاده بود.»

پاس گول لوکاس: «واقعیت این است که لوکاس سانتی کرد که ارزش این را داشت که به گول تبدیل شود. به خاطر لوکاس بسیار خوشحالم. او برای رسیدن به اینجا زحمات فراوانی کشیده است.»

آینده: «امروز هواداران خوب بودند و همیشه آن‌ها را این‌گونه می‌خواهیم. پس از حذف از کوپا دل ری، حالا لالیگا و لیگ قهرمانان برای ما باقی مانده است و برای قهرمانی در این دو جام، تمام تلاش‌مان را خواهیم کرد.»

زیدان: از متوقف شدن بارسلونا انگیزه گرفتیم

زین الدین زیدان، سرمربی رئال مادرید، تساوی بارسا در زمین بتیس و شکست سویا در زمین اسپانیول را باعث انگیزه گرفتن هر چه بیشتر بازیکنانش دانست.

رئال مادرید یک‌شنبه شب در ورزشگاه برنابئو توانست با سه گول بر سوسیداد غلبه کرده و با توجه به امتیازهایی که رقبایش از دست دادند، فاصله خود در صدر جدول را با وجود یک بازی کمتر، به ۴ امتیاز افزایش دهد.

زیدان در پایان بازی به خبرنگاران گفت: «وقتی آخرین بازی هفته را برگزار می‌کنید و می‌بینید که رقبای‌تان شکست خورده یا متوقف شده‌اند، انگیزه شما برای کسب پیروزی بیشتر می‌شود. به همین علت با شور خاصی وارد میدان شدیم تا سه امتیاز را کسب کنیم.

در نیمه اول نتوانستیم فشار لازم را به سوسیداد وارد کنیم اما در نیمه دوم اشتباهات‌مان را تصحیح کرده و با گول رونالدو تقریبا خیال‌مان راحت شد. با اخراج مدافع حریف هم پرونده بازی به نفع ما بسته شد.

حالا یک هفته تا بازی بعدی فرصت داریم که فرصت خوبی برای استراحت و سپس تمرین کردن است. یک روز و نیم استراحت می‌کنیم و سپس کارمان برای بازی برابر سلتا را از سر می‌گیریم.»

بوفون: اینتر آماده‌تر از بارسا و رئال است

جانلوئیجی بوفون، کاپیتان یوونتوس، از هم‌تیمی‌هایش خواست تا مراقب اینتر باشند و تاکید کرد که شاگردان استفانو پیولی در حال حاضر نسبت به بارسا و رئال از شرایط بهتری برخوردارند.

او به خبرنگاران گفت: «اکنون باید مقابل اینتر قرار بگیریم. آن‌ها در حال حاضر بهتر از بارسا و رئال بازی می‌کنند. دیدار دشواری خواهد بود. ما به آن‌ها احترام می‌گذاریم. آن‌ها تیم قدرتمندی هستند و این را در دیدار رفت هم نشان دادند.»

ورود تکنولوژی خط دروازه به لالیگا از فصل بعد

بارسا مردود اعلام شد؛ در حالیکه مشخص بود که توپ از خط دروازه عبور کرده است. بی شک اگر تکنولوژی خط دروازه در لالیگا نیز به کار گرفته می‌شد، بارسلونا روز یک‌شنبه زودتر از دقیقه ۹۰ به گول دست می‌یافت.

لالیگا تنها لیگی معتبر در اروپاست که از این تکنولوژی استفاده نمی‌کند؛ اما مارکا دیروز ادعا کرد که پس از اشتهاب روز یک‌شنبه، مسئولان فوتبال اسپانیا بر آن شده‌اند تا از فصل بعد این تکنولوژی را به کار بگیرند. هزینه استفاده از تکنولوژی خط دروازه، ۴ میلیون یورو برآورده شده است.

مورینیو: قهرمانی در لیگ ماموریت غیر ممکن است

بعدی فکر می‌کنم و این ماموریت غیرممکن نیست.

در جام اتحادیه، ما ۵۰ درصد چانس قهرمانی داریم، در جام حذفی به یک هشتم نهایی رسیدیم و در لیگ اروپا هم در یک شانزدهم نهایی هستیم؛ بنابراین بازی‌های زیادی در پیش داریم.

این در حالی است که لیورپول تا پایان فصل تنها ۱۶ بازی انجام می‌دهد اما در شرایط دیوانه کننده‌یی هستیم. ساوتهمپتون هم پیش از فینال جام اتحادیه، ۱۵ بازی انجام می‌دهد. اما ما باید دو بازی در لیگ اروپا با سن اتین انجام بدهیم و در دور پنجم جام حذفی هم بازی کنیم.»

زیدان: باید سپاسگزار هواداران مان باشیم

میدان باشند و زیدان پس از بازی به تمجید از هواداران پرداخت. او گفت: «باید ممنون هواداران حاضر در برنابئو باشیم. گاهی توسط این سوت‌ها ناراحت می‌شویم ولی امروز هواداران عالی بودند و در کنار هم دستاورد خیلی مهمی را کسب کردیم. پیروزی خیلی مهمی برای ما پس از چند روز سخت بود. بازی کاملی مقابل یک حریف پیچیده به نمایش گذاشتیم. این‌که کلین شیت کردیم بسیار مهم بود و همین‌طور این‌که دیگر نتایج هم به نفع ما بود.»

اینزاگی: جوانان میلان، آینده ایتالیا هستند

دوناروما در تیم هست که از ۱۷ سالگی در تیم ملی ایتالیا بازی می‌کند و بوفون جدید است. اگر لوکاتلی مونتولیو را در کنار خودش داشت، کمک زیادی به او می‌شد. وقتی لاپادولا را تماشا می‌کنم که می‌درخشد و هواداران هم او را تشویق می‌کنند، یاد دوران خود می‌افتم. امیدوارم میلان هر چه سریع‌تر به روزهای خویش بازگردد.»



پس از اشتهاب داوری عجیب در بازی بارسلونا و بتیس که گول صحیح بارسا مردود اعلام شد، تلاش برای ورود تکنولوژی خط دروازه به لالیگا آغاز شده است.

لالیگا به عنوان بهترین لیگ دنیا از لحاظ سطح کیفی، یک ضعف بزرگ و آشکار دارد و آن هم داوری‌های عجیب و غریبی است که در آن دیده می‌شود. بارسلونا در این فصل بیش از سایر تیم‌ها از داوری لطمه خورده و این قضیه البته شامل حال رئال و دیگر تیم‌ها نیز می‌شود.

روز یک‌شنبه گذشته در بازی بارسلونا و بتیس، گول سالم

ژوزه مورینیو، سرمربی منچستر یونایتد، معتقد است به دلیل حضور در چند جام، قهرمانی در لیگ برتر برای تیمش یک ماموریت غیرممکن است.

منچستر یونایتد که چند روز قبل به فینال جام اتحادیه رسیده بود، با پیروزی ۴-۰ مقابل ویگان به فینال جام حذفی صعود کرد.

اما علی‌رغم روند خوب شیاطین سرخ، آقای خاص معتقد است که تیمش چانس چندانی برای قهرمانی در لیگ برتر ندارد.

او به خبرنگاران گفت: «به شکل واقع گرایانه‌یی، فکر می‌کنم قهرمانی در لیگ برتر یک ماموریت غیرممکن است. اما من به این موضوع فکر نمی‌کنم؛ به دیدار

ممنوع است. من خیلی احساس امنیت کردم؛ هیچ ترسی نداشتم».

برخلاف تصورات غربیان درباره‌ی عاملیت سربازان کودک‌های مؤنث، اکثر کسانی که با آنها مصاحبه شده، برای تبدیل شدن به پیکارجو، انتخاب سنجیده‌ی داشته‌اند. این زنان جوان طیف وسیعی از امنیت و آسیب را تجربه کرده بودند، اما «اجتماع بین‌المللی» آنها را به‌زور در درون یک کهن‌الگوی قربانی قرار می‌دهد که شکل و شمایل یکسانی را بر همه تحمیل می‌کند. این فرض که همه دختران سرباز همان خشونت را متحمل می‌شوند که جنگ‌جویان آن‌گولایی در معرض آن قرار دارند سه‌چهارم حکایت‌های این دختران را از قلم می‌اندازد. کنیترس درباره‌ی فیلیپین و کلمبیا می‌نویسد: «اگر پای مبارزه هم در میان نبود، دختران زندگی در میان گروه‌های نظامی را بر زندگی غیرنظامی خویش ترجیح می‌دادند.» سازمان‌های امدادی سیاست «جلوگیری، بسیج‌زدایی و بازادغام» را پی می‌گیرند که به‌هیچ‌وجه دلایل و انگیزه‌های متنوع کودکان برای پیوستن به جنبش‌های چریکی را در نظر نمی‌گیرد؛ این سازمان‌ها توجه ندارند که شاید اساساً این دختران تمایلی به بازادغام در جامعه‌ی غیرنظامی نداشته باشند.

سربازان کودک ایده‌ی متأخر است و ما به‌تازگی شروع به فهم و درک تضادهای آن کرده‌ایم. در تخیل غربیان معاصر، شما می‌توانید مبارزی شجاع در راه آزادی یا سربازان کودک استعمارشده باشید، اما نمی‌توانید هر دوی آن‌ها باشید. تنش میان این دو تصور در شماره‌ی سپتامبر گذشته‌ی مجله‌ی ماری کلر آشکار شد، آن‌جا که الزابت گریفین، روزنامه‌نگار آمریکایی، درباره‌ی زنان وای.بی.جی یا واحد حمایت از زنان (نیرویی خودپداقتند و متشکل از کردهای سوریه مارکسیست‌فمینیست که در حال مبارزه با داعش هستند) دست‌به‌قلم شد. بسیاری از زنان جوان کرد ترجیح می‌دهند که به‌جای آواره شدن به وای.بی.جی بپیوندند تا با داعش مبارزه کنند، هرچند این گروه رسماً تابع «پروتکل اختیاری» است.

نسخه‌ی اصلی مقاله‌ی مزبور شامل اسامی برخی از کارآموزان و رزمندگان نوجوان بود که به‌مثابه‌ی قهرمان از آنان تجلیل می‌کرد و ویراستاران مجله چنان مجذوب این داستان شده بودند که فراموش کرده بودند در حال تأیید جنایتی جنگی هستند. اکنون یادداشتی نجسب از ویراستاران مجله بر بالای متن آنلاین این مقاله درج شده است: «تلاش‌های وای.بی.جی قابل توجه هستند، لیکن مجله‌ی ماری کلر بهره‌گیری از سربازان کودک‌ها را در هیچ شرایطی تأیید نمی‌کند. این مقاله برای بازتاب چنین مسأله‌ی ویرایش شده است.» شیوه‌ی که برای ویرایش این مقاله به‌منظور بازتاب محکومیت جهانی سربازگیری از میان کودکان به کار گرفته شد آن بود که تمامی اشارات به افراد زیر هجده سال در این متن حذف شدند.

تصویر صاف و ساده‌ی از سربازان کودک‌ها، که حاصل وضعیت قوانین بین‌المللی است، حاکی از آن است که این کودکان یا می‌توانند قربانیان آسیب‌دیده باشند یا این‌که اصلاً دیده نشوند. هنگامی که رزمندگان واقعی با دستورکار شعاری دولت‌ملت‌های موجود و سازمان‌های فراملی انطباق ندارند، این رزمندگان از صحنه‌ی داستان محو می‌شوند یا داستان‌شان به‌شیوه‌ی مقبول‌تر نگاشته می‌شود. به‌عنوان «سربازان کودک»، عاملیت و اراده‌ی آنها موضوعیت ندارد، پس چه بهتر که به خدمت گرفته شوند.

کودک سرباز؛ قربانی یا سلحشور

اسطوره‌های ماسرشار از قهرمانان نوجوان است، اما رسانه‌ها آنان را قربانیان جنگ می‌خوانند



AEON/مالکولم هریس ■ ترجمه: محمد غفوری ■ قسمت دوم و پایانی

جایی که در آن دختران بالاجبار به خدمت گرفته می‌شدند و از آنان سوءاستفاده‌ی جنسی می‌شد. اما از هجده دختر دیگر، هفده تای آنها داوطلبانه به گروه‌های چریکی پیوسته بودند و گواهی آن‌ها درباره‌ی تصمیم‌هایشان در این مورد، روشن می‌کند جای توجه به چه پیچیدگی‌هایی در تصویرسازی ما از سربازان کودک‌ها خالی است. برخلاف انتظارات کنیترس، این مصاحبه‌ها نشان دادند که سه مورد از چهار گروه چریکی قوانین سفت‌وسختی درباره‌ی روابط جنسی میان سربازان وضع کرده بودند، ازجمله رویه‌های مشخصی برای جلب و تأیید رضایت زنان. بسیاری از زنان جوانی که با آنها مصاحبه شده است فعالیت خود به‌عنوان سرباز را به‌مثابه‌ی فرار از خشونت جنسی و دیگر اشکال استثمار در خانه به‌سوی محیطی نظامی و ساختارمند وصف کرده بودند. این گروه‌ها اعمال نظارت بر فعالیت جنسی را معمولاً در قالب جلوگیری اجباری از بارداری یا سقط جنین اجباری انجام می‌دادند تا آمادگی نیروهای مبارز خویش را حفظ کنند. یکی از پیکارجویان زن سربازانکایی فرار خود از خانه را در آستانه‌ی تن دادن به یک ازدواج اجباری توصیف کرده بود. اظهارات مبارزان فیلیپینی واقعا تکان‌دهنده‌اند: دختران از مشارکت در فرهنگی مبتنی بر نقد دوپرفه حکایت می‌کنند، آن‌ها در گروه چریکی خویش وقت فراوانی برای مطالعه دارند و اعضای گروه صدای آنها را می‌شنوند. آموزش آنها شامل سخنرانی‌ی درباره‌ی سیاست‌های سخت‌گیرانه علیه آزار جنسی می‌شد. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گفت: «در این سمینار، روشن می‌شد که استثمار زنان مطلقاً

می‌گیرد. در شمال شرقی نیجریه، «کارگروه مدنی مشترک» هزاران نوجوان را به خدمت گروه‌های خودپداقتی درآورده است که سازمان‌دهی شده‌اند تا از روستاها در برابر پیکارجویان بوکوحرام محافظت نمایند. برای این کودکان هیچ راه دیگری وجود ندارد که از این منازعه به دور بمانند. ماه مارس امسال، در مجله‌ی دیلی بیست، روزنامه‌نگار نیجریه‌ی، فیلیپ اوباجی جونور، گزینه‌ی پیش روی این کودکان را با عباراتی خشک و خشن بیان می‌کند: «با بوکوحرام بجنگ یا به‌دست آنها کشته شو.» قابل درک است که برخی از نوجوانان گزینه‌ی نخست را برمی‌گزینند.

اگر پرسرک‌های سرباز همچون کسانی تصویر می‌شوند که ذاتاً آسیب‌پذیرند، آنگاه دخترک‌های سرباز به‌گونه‌ی مضاعف در معرض این آسیب‌پذیری ذاتی قرار دارند. مصرف‌کنندگان رسانه‌های غربی آموخته‌اند که با شنیدن «زن جوان در معرض خطر» به یاد چه بیفتند: تجاوز جنسی. هنگامی که حامیان حقوق زنان می‌گویند چهل‌درصد سربازان کودک‌ها دختر هستند، بدترین ترس‌های مخاطبان خویش درباره‌ی نقش زنان در جنوب جهان را برمی‌انگیزند. در تلاشی که برای ثبت روایت‌های خود دختران صورت گرفته، در سال ۲۰۰۲، گروهی از پژوهشگران محلی تحت سرپرستی ایوئه ای. کنیترس، از اعضای دفتر کوآکر در سازمان ملل، (نماینده‌ی جنبش مسیحی کوآکر یا «انجمن دوستان» در سازمان ملل) با ۲۴ زن جوان درگیر در چهار قلمرو منازعه‌ی مصاحبه‌هایی انجام دادند: آنگولا، کلمبیا، فیلیپین و سربازانک. بدترین ترس‌های کنیترس در آنگولا تصدیق شدند،

هنگامی که پای میهن در میان است، هیچ نهاد بین‌المللی نمی‌تواند به نوجوانان ما بگوید که سر جای خود بنشینند.

نژاد از جمله دلایلی است که موجب می‌شود مصرف‌کنندگان رسانه‌های غربی بتوانند نوجوانان در کلرادو یا اسکاتلند جادویی را راحت‌تر از نوجوانان در سربازانک یا کلمبیا به‌عنوان قهرمان بپذیرند. اگر ما تنها با تصاویر ساکن این کودکان به‌مثابه‌ی سوژه‌ی همدلی (با نگاه‌های معصوم، ساکت و غمگین) رودررو شویم، برای مان دشوارتر است که خود را در وضعیت آنان قرار دهیم و تصور کنیم که انگیزه‌های تک‌تک آن‌ها چه می‌تواند باشد.

مجموعه‌ی هری پاتر آسیب روانی و مادام‌العمر این کودکان را دست‌کم می‌گیرد، چه برسد به این‌که آیا این کودکان باید بلافاصله به‌عنوان کارگزاران غیرنظامی ایفای نقش کنند یا نه. معیارهای بین‌المللی فراخوانی برای بسیج‌زدایی از این کودکان و بازادغام آن‌ها در جمعیت غیرنظامی خواهد داد. اما دست‌کم در هری پاتر یا، همانند آن، مجموعه‌ی رمان عطش مبارزه، نوشته‌ی سوزان کالینز، کودکان در معرض تجربه‌ی مجموعه‌ی از عواطف قرار می‌گیرند و وادار می‌شوند تا دست به انتخاب بزنند و اهدافی برای خود داشته باشند. در همین حال، تصویرهای سازمان‌های امدادی جهانی از سربازان کودک پیش از بسیج‌زدایی می‌سازند آن‌ها را به‌مثابه‌ی افرادی تک‌ساختی بازنمایی می‌کنند که به‌سبب اعمال‌شان درخور سرزنش نیستند، چون تحت اجبار یا شست‌وشوی مغزی بوده‌اند. این تصویر ساده در خدمت علایق سازمان‌های امدادی و مجمع عمومی سازمان ملل است، اما از ما می‌خواهد صدای خود سربازان کودک را ناشنیده بگذاریم.

برای مثال در سال ۲۰۰۹، یونیسف و سربازانک دست به دست هم دادند تا پوششی رسانه‌ی به‌نام «کودک را بازپس دهید» به راه اندازند. هدف از این پوشش ممانعت از جذب سربازان زیر سن قانونی بود، به‌ویژه از سوی گروه شورشی «بهرای آزادی‌خواه تاملیل» در بوسترها، عکس‌هایی سیاه‌وسفید از چهره‌های عبوس سربازان کودک بر روی عکس‌های تمام‌رنگی پیکرهایشان افکنده می‌شود که مشغول وقت‌گذرانی‌های مناسب سن‌شان هستند. در کنار عکس دختری این نوشته آمده است: «او می‌خواهد رقص باشد، نه سربازانکودک.» پسری می‌خواهد که کریکت بازی کند. سبک بلاغی این نوشته این را پیش‌فرض می‌گیرد که سربازان کودک‌ها زبده یا مجبور [به شرکت در نبرد] شده‌اند. اما، درباره‌ی نوجوانانی که به خدمت بیره‌های تاملیل درآمده‌اند، بررسی‌هایی صورت گرفته که نشان می‌دهد چنین امری نسبتاً نادر است. در یکی از این بررسی‌ها هجده نفر از نوزده پسر نوجوان حاضر در میان این گروه اظهار داشتند که داوطلبانه به آن پیوسته‌اند.

اما آیا یک کودک می‌تواند حقیقتاً برای پیوستن به یک ارتش داوطلب شود؟ حتی هنگامی که سربازان کودک‌ها با اراده‌ی خودشان وارد این جریان می‌شوند، تحت مجموعه‌ی از شرایط اجباری تن به چنین کاری می‌دهند. یونیسف کاری می‌کند تا انتخاب‌ها ساده به نظر آیند: جنگ یا رقص، جنگ یا بازی، جنگ یا پزشک‌شدن. هیچ کودک عاقلی برای خود گزینه‌ی اول را انتخاب نمی‌کند و این نکته همچون شاهده‌ی بر این ادعا آورده می‌شود که آزادی آنان در این مورد از آنها گرفته شده است. اما هنگامی که گزینه‌ی پیش روی آنان «سرباز یا قربانی» است، داوطلب‌بودن معنایی متفاوت

تغییر در سیستم اخذ تکت آریانا

داریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

- 1 مسافری محترم آریانا می‌تواند هر قدر که تکت های خود را از قبل خریداری نمایند، قیمت نازل تر را بدست آورند.
- 2 سهولت انتخاب سیت برای مسافری محترم در هنگام خرید تکت ها بوجود آمده، که مسافری محترم می‌تواند هنگام خرید تکت ها، سیت های خویش را نیز انتخاب نموده و قید نمایند.
- 3 شرکت های سیاحتی می‌توانند برای مسافری گروهی خود قیمت نازل تر را نسبت به قیمت اصلی در سیستم بدست بیاورند.